بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مفاهیم 2](#_Toc428642576)

[مرور بر گذشته 2](#_Toc428642577)

[اشکالات به تقریر اول 2](#_Toc428642578)

[اشکال اول: 2](#_Toc428642579)

[کبرای بحث 2](#_Toc428642580)

[صغرای بحث 3](#_Toc428642581)

[جواب اشکال 3](#_Toc428642582)

[مناقشه اشکال 3](#_Toc428642583)

[اشکال تقریر 4](#_Toc428642584)

[جواب دیگر 4](#_Toc428642585)

# مفاهیم

# مرور بر گذشته

برای اثبات مفهوم شرط چند دلیل عرض کردیم. دلیل اول، وضع، دلیل دوم، انصراف، دلیل سوم، اطلاق بود. در اطلاق عرض کردیم تقریرهای مختلفی وجود دارد. بخشی از آن‌ها در کفایه است و بخشی خودمان اضافه می‌کنیم. تقریر اول را بیان کردیم. تقریر اول همان تقریری که در وجوب نفسی و غیری وجود داشت،‌ بود. اطلاق حمل وجوب بر نفسیت را اقتضا می‌کند. همان تقریر در تردید بین علیت انحصاری یا غیر انحصاری شرط للجزاء، اطلاق علیت انحصاری را حمل می‌کند. وقتی دلیل می‌گوید امری واجب است، و نمی‌دانیم وجوب نفسی یا غیری است، اطلاق بر نفسی حمل می‌شود. در اینجا نیز علیت انحصاری را حمل می‌کند. این تقریری در صاحب الکفایه و کلام شیخ بوده است.

## اشکالات به تقریر اول

مرحوم صاحب کفایه این تقریر را به دو اشکال محل مناقشه قرار داده‌اند:

### اشکال اول:

در معانی حرفیه، نسب و روابط، اطلاق جاری نمی‌شود. ما در اینجا علی المبنا بیان می‌کنیم و در جای دیگر باید مفصلاً مورد بحث قرار دهیم.

همان‌طور که عرض کردیم مفاهیم بر دو قسم است:

1.مفاهیم اسمی

2.مفاهیم ربطی

### کبرای بحث

این دو مفهوم تفاوت‌هایی دارند. یکی وضع عام و موضوع له عام است و دیگری وضع خاص و موضوع له خاص است. در معانی اسمی، می‌توانیم اطلاق جاری کنیم. در مفاهیم اسمی که مورد توجه نفس است. از حیث قیود و عدم بیان قیود، به معنای این است که مطلق است. اما معانی حرفیه‌،به صورت مستقل، ملحوظ در کلام نیستند. وقتی می‌گوییم الماء فی الکوز، در کوزه بودن نسبت ربطی است و ظرفیت در اینجاست. ظرفیت به صورت مستقل در اینجا ملحوظ نیست و مندک در دو طرف است. در کوزه بودن، مفهوم مستقلی ندارد. یا ربطی که در جمله می‌آید مثلاً زیدٌ قائمٌ، این نسبت هیچ هویت مستقلی ندارد. در عرض سایر مفاهیم یک گزاره نیست. ذات این، ربط است. اگر کسی قائل باشد که وضع خاص و موضوع له خاص است، این معنای غیرمستقل و غیر ملحوظ به نحو استقلال است. نتیجه‌ی این تفاوت ماهوی در این مفاهیم، که از نظر فلسفی نیز مطلب درست است. معنا، معنای استقلالی است، مفهوم ماهوی است. ولی معانی ربطی و نسب، معانی ماهوی نیست. نتیجه‌ی این تفاوت این است که معانی حرفیه هر جا باشد، به نحو مستقل ملحوظ نیست. ملحوظیت آن به‌تبع طرفین است. اگر اطلاق و تقییدی در آن جاری بشود، مستقیم معقول نیست. این سخنان، برای مفاهیم اسمیه است. با توجه به تمایز معانی اسمی و حرفی و از طرفی بیان کردیم که معانی حرفی به نحو استقلال نیست، نتیجه‌ می‌گیریم که در معانی حرفیه، اطلاق جاری کنیم. این یک قاعده کلی است که در کفایه آمده است.

### صغرای بحث

در اینجا، ترتب جزا بر شرط که معنای حرفی است و نسبت است، یا تأثیر شرط در جزاء، معنای حرفی است. نسبت بین علت و معلول را محل کلام قرار می‌دهیم و می‌گوییم که تأثیر انحصاری یا غیر انحصاری است. تأثیر شرط در جزا، معنای نسبی و حرفی است. هیئت جمله شرطیه، معنای حرفی است. وقتی می‌گوییم «اذا خفی الاذان» این معنای اسمی است. «فقصر» نیز معنای اسمی است. اما هیئتی که بر این عارض شده است که شرط و جزا پیدا می‌شود، معنای حرفی است. در معنای حرفی اطلاق جاری نمی‌شود. معنای حرفی ملحوظ به نحو استقلال نیست. این یک اشکال فنی است که مرحوم صاحب کفایه آن را مطرح کرده‌اند.

اساتیدی مثل مرحوم اصفهانی (ره) این اشکال را قبول کردند.

#### جواب اشکال

برخی این اشکال را به یک اشکال نقضی، مناقشه کرده‌اند. این اشکال نقضی همان چیزی است که در بالا ذکر کردیم. در وجوب نفسی و غیری، اطلاق را قبول کردیم. در آنجا نیز وجوب را از هیئت به دست می‌آوریم. در ماده وجوبی ندارد. در ضرب و ضرب وجوبی ندارد. هیئت اضربی، وجوب را افاده می‌کند. بعد ایشان می‌گویند وجوب اطلاق دارد،درنتیجه اطلاق نیز نفسیت است. این اشکال نقضی است. در آنجا نیز همه گفته‌اند هیئت معنای حرفی است و استقلالی نیست. مفاد هیئت که همان بعث است، بحث انشائی ربطی است. چیز مستقلی از ماده نیست.

#### مناقشه اشکال

ممکن است کسی جواب حلی به این مناقشه بدهد. معنای حرفی و نسبت و ربط، ملحوظ مستقل نیست که اطلاق در آن جاری بشود، ولی اطلاق و تقیید آن تابع طرف ربط و نسبت است. اطلاق و تقیید ظرفیت تابع این است که بگوییم «هذا الماء فی هذا الکوز» یا اینکه بگوییم آب دریا در دریا است. یا اینکه بگوییم «کل ماء فی الکوز». خود ظرفیت را مطلق نمی‌توانیم بگیریم. ولی چیزی که نمی‌شود این است که مستقلاً نمی‌توانیم کم‌وزیادی را بیان کنیم. ولی به‌تبع طرفین می‌توان این مطلق یا مقید باشد. این ظرفیت می‌تواند ظرفیت محدود یا موسع باشد. درنتیجه اطلاق و تقیید،‌عموم و خصوص، مستقلاً و مباشرتاً در معانی حرفی و نسبی جریان ندارد. ولی تمام این‌ها در معانی حرفی و نسبی به‌تبع طرفین ربط، جریان دارد.

این امر را در بحث خودمان بسط می‌دهیم. اطلاقی که در اینجا درست می‌کنیم، در حقیقت اطلاق را در طرف نسبت و ربط توسعه می‌دهیم. تأثیر را مطلق نمی‌دانیم بلکه اطلاق را در خفی الاذان جاری می‌کنیم. خفی الاذان می‌تواند علت منحصره یا غیر منحصره باشد. خفی الاذان، علت منحصره است.

#### اشکال تقریر

اشکال این جواب و تقریر این است که وقتی می‌گوییم علت منحصر یا غیر منحصر است، این انحصار و عدم انحصار برای نسبت است. یعنی وقتی ربط را ببینیم، انحصار و عدم انحصار جاری می‌شود. وقتی آب می‌گوییم، گاهی آب خاص را می‌بینیم و گاهی مطلق آب را می‌بینیم. آب خاص یا همه‌ی آب‌ها مستقلاً موضوعیت دارد. وقتی آب را مستقلاً مورد اطلاق قرار می‌دهیم، منجر به اطلاق قهری ربط می‌شود. ولی اطلاقی که در علت جاری می‌کنیم، می‌گوییم انحصاری است یا خیر؟ این انحصاری و غیر انحصاری وصفی برای ربط است.

در معنای حرفی و نسبی، مستقیماً اطلاق و تقیید جاری نمی‌شود. ولی در طرف نسبت اگر اطلاق جاری بشود، سرایت به نسبت می‌کند. ممکن است که در اینجا نیز اجرا شود که عرض کردند، خیر. در اینجا قابل‌اجرا نیست. زیرا در اینجا به علت وارد می‌شود. چون حیث ربطی و معنا را که دیدیم،‌معنای حرفی می‌شود و اطلاق پیدا نخواهد شد.

### جواب دیگر

جواب دیگری که به استدلال می‌توانیم بکنیم این است که معانی عالی و حرفی و نسبی را می‌توانیم محل اطلاق و تقیید قرار بدهیم. علی‌رغم اینکه نگاه عالی دارد، اما می‌توانیم اطلاق و تقیید را جاری بکنیم. یعنی در معانی حرفی می‌توانیم نوعی اطلاق و تقیید به او بزنیم.